

تازه‌های ایران‌شناسی

زهره هدایتی

Sraoša in The Zoroastrian Tradition, Philip G. Kreyenbroek, 2nd ed., Athravan Educational Trust, Mumbai, India, 1999, 200 pp.

دکتر فیلیپ کراین بروک دانش‌آموخته زبانهای عربی و فارسی از دانشگاه آمستردام است. فوق‌لیسانسش را در زبانهای ایرانی باستان و میانه و فارسی، با محوریت دین زردشتی و اسلام، در دانشگاه اوترخت به پایان برده است. دوره دکتری را در دانشگاه لایدن گذرانده و در سال ۱۹۸۲ از پایان‌نامه خود با عنوان «سرئوشه در دین زردشتی» دفاع کرده است. کتاب حاضر حاصل آن است و بار نخست در ۱۹۸۵ در مطبعه بریل در لایدن هلند چاپ شده بوده است. وی معتقد است که چون درباره شخصیت و سرگذشت و نقش سروش تفسیر منسجم و یکپارچه‌ای در دست نیست به این تحقیق دست زده است. البته، به درجات مختلف بر شخصیت ایزدی و پیدایش آن تأکید شده است اما این مطالعات فقط بر پایه گزیده‌ای از منابع در دسترس بوده و اغلب تفاسیر نیز بر پایه نظریه‌هایی که براساس تاریخ متقدم دین زردشتی صادر شده است صورت گرفته که دیگر از اعتبار ساقط شده‌اند. بنابراین، دانشجویی که به مطالعات زردشتی روی می‌کرد با منابع معتابهی روبرو می‌شد که درباره سروش آرای متفاوتی را عرضه می‌کردند - و همین باعث شد که نیاز به مطالعات روشمند سخت ضروری احساس شود. بنابراین، انگیزه تألیف اثر حاضر به دست دادن تحلیلی جامع از شخصیت سروش و نقش و پیدایش وی بر پایه کلیت دین «کلاسیک» زردشتی و بررسی جایگاه وی در آداب و آیینهای روزمره زردشتیان بوده است. (دیدگاههایی که زردشتیان در سده اخیر راجع به سروش بیان داشته‌اند، و ناشی از تماس «پارسیان» با پژوهشگران غربی گاه متأثر از آنها بوده، در این تحقیق منظور نشده است.)

بسیاری از محققان بر این عقیده اجماع دارند که معنای سروش (Səraoša در اوستا)، آن‌گونه که گاهان به کار رفته، در اصل «شنوا» و، بنابراین، «فرمانبردار» است. فرمانبرداری تجسم کلام مقدس اسر مفهومی که دلالت دارد بر شنوا بودن انسان به کلام الهی. بعضی از محققان نظیر هومباخ (Lommel) و گایگر (Geiger) هم احتمال داده‌اند که سروش ممکن است مظهر شنوا بودن «خدا» نیایشها و تلاوت کلام مقدس باشد. بنونیست (Benveniste) برای مفهوم سرئوشه معنی «انطباط» را متحمل دانسته که البته اطاعت / فرمانبری را همراه با معنایی از تنبیه در خود دارد و ظاهراً با برخی خصوصیات منتسب به ایزدان بسیار هماهنگ است. اما مولتون (Moulton) معتقد است که، با استناد متون پهلوی، سرئوشه احتمالاً هفتمین امشاسپند است.

از این رو، نویسنده به بررسی آرای دانشمندی می‌پردازد که معتقدند سروش تنها مفهومی انتزاعی است، یا خدایی است که نیایشها را به بهشت منتقل می‌کند، یا، چنانکه در متون پهلوی آمده، گاه یکی از امشاسپندان. در مناسک زردشتیان، سروش بیش از دیگر ایزدان ستایش شده و، در مقام مبشر و آورنده نیروهای خیر به زمین، ایزدی مهم به شمار می‌رود. کراین بروک، با توانایی، سیر تطور این ایزد کاملاً ایرانی را دنبال کرده و ریشه‌های آن را در گاهان تا مراسم و آیینهای مربوط به این ایزد نزد زردشتیان امروزی پی گرفته است. وی گذشته از گردآوری ادعیه اصلی، که سروش مخاطب آنهاست، همه مطالب و منابع مربوط به وی در گاهان، اوستای متأخر، متون پهلوی و در آداب و رسوم روزمره زردشتیان را ذکر کرده است و با ترجمه و توضیحاتی که ارائه داده اثر را به ایزاری که نیاز روزمره محققان است تبدیل کرده است.

این کتاب خواندنی در ۲۰۰ صفحه همراه با کتابنامه‌ای مفصل، فهرست واژه‌ها و فهرست موضوعی تدوین شده و نیز گنجینه‌ای است از اطلاعات برای خوانندگان عام. دکتر کراین بروک محقق زبانها و مذاهب ایرانی در مؤسسه مطالعات شرقی و افریقایی (SOAS) در دانشگاه لندن بوده و اخیراً در گوتینگن آلمان در مقام مدیر تحقیقات ایران‌شناسی مطالعات ایرانی را به پیش برده است. در تصحیح و انتشار میربدستان و نیزنگستان، با دستور دکتر فیروز کوتوال همکاری کرده و کتابی نیز با همکاری شهناز منشی در دست انتشار دارد، با عنوان *زردشتیان امروزی: پارسیان شهرنشین از زندگی مذهبیشان می‌گویند*.

ادیان شرقی در امپراتوری روم، فرانتس کومون، ترجمه ملیحه معلم و پروانه عروج‌نیا، تهران، سمت، ۱۳۷۷، ۲۶۱ ص.

این کتاب حاصل دو رشته سخنرانی فرانتس کومون (Franz Cumont) در اوایل قرن بیستم میلادی (۱۹۰۵) در کالج فرانسه و آکسفورد است. این سخنرانیها به همت مؤسسه میکونیس (Michonis) و بنیاد هیبر (Hibbert) بر گزار شده بوده است.

عنوان اصلی کتاب *The Oriental Religions in Roman Paganism* است و ترجمه از روی چاپ سال ۱۹۵۶ کتاب صورت گرفته. مترجمان کتاب را به توصیه استاد فقید، شادروان دکتر مهرداد بهار، محقق برجسته حوزه فرهنگ و ادیان باستانی نجد ایران و بین‌النهرین به دست گرفته‌اند. گرانت شاورمن (Grant Showerman) از دانشگاه ویسکانسین مقدمه‌ای بر چاپ انگلیسی کتاب نوشته در شرح و توصیف زندگی، آرا و جایگاه کومون. مؤلف نیز در «پیشگفتارهایی که برای دو چاپ کتاب نگاشته، و هر دو در ترجمه حاضر آمده، به ویژه در پیشگفتار چاپ اول، دیدگاهها و انگیزه‌های خود را در نگارش این کتاب شرح داده است. کتاب در هشت فصل تنظیم شده که به ترتیب «روم و مشرق زمین»، «چرا ادیان شرقی گسترش یافتند؟»، «آسیای صغیر»، «مصر»، «سوریه»، «ایران»، «تجیم و جادو» و «تحول شرک رومی» نام دارند. یادداشت‌های انتهای کتاب در ۸۶ صفحه استدراکات و توضیحات مؤلف است که در چاپ دوم، علاوه بر

در این کتاب، در واقع، «وضعیت جهانی که مسیحیت در آن به منصفه ظهور رسید به تصویر کشیده شده» و ماهیت دین شرک آمیز رومی (پاگانیزم) و رویارویی آن با ادیان راز آمیز مشرق زمین و جاذبه‌های آنها و تأثیر این همه بر مسیحیت بازنمایانده [شده]» (ص ۲).

کومون در این کتاب تأثیر ادیان شرقی و فلسفه نوافلاطونی را در تغییر و تحول دین رومی بررسی می‌کند و پیش از هر چیز، مکتب نوافلاطونی را مؤثر می‌داند که با توجه معنوی داستانها و اعمال آیینی متداول کوشید بین ادیان قدیم و عقاید روشنفکرانه و اخلاقی پیشرفته زمان خود نوعی سازش ایجاد کند.

«هیچ دینی صرفاً بر اثر عوامل خارجی نمی‌تواند به موفقیت دست یابد و باید بر برخی بنیادهای اخلاقی متکی باشد» (ص ۹)؛ و کومون نشان می‌دهد که چگونه ادیان مبتنی بر شرک توانستند خود را «حفظ و حتی با مسیحیت رقابت کنند» (ص ۹). وی می‌کوشد روابط بین وقایع تاریخی را مشخص کند و می‌گوید: «پیروزی مسیحیت [= دین جدید] یک تغییر معجزه‌آسا و ناگهانی نبود، بلکه از یک رشد و تحول تاریخی ناشی می‌شد ... دین جدید الهامات خود را در قالب ادیان پیش از خود ریخت، زیرا جهانی که در آن گسترش یافته بود پیام آن را تنها به این شکل درمی‌یافت» (ص ۱۳). از سوی دیگر، شباهت میان ادیان و مراسم و مناسک و عقاید دینی متداول امروزی را بیشتر ناشی از سرچشمه‌ای واحد به شمار می‌آورد تا تقلید.

در فصل ششم کتاب، که به ایران و آیین رمزی مهر اختصاص دارد، از نفوذ و تأثیر هخامنشیان، نفوذ مزدپرستی، نفوذ ساسانیان، منشأ آیین رمزی مهر، ایرانیان و آسیای صغیر، مزدپرستی در آناتولی، اشاعه مزدپرستی در غرب، دوگانه پرستی و اصول اخلاقی آیین مهر سخن رفته است. این کتاب، که بنا به گفت مؤلف «از برخی حقایق مشهور عامدانه چشم پوشیده تا برای حقایقی که احتمالاً کمتر شناخته شده‌اند مجال بیشتری باشد» (ص ۱۲)، زمینه را برای بحث و تحقیق پژوهشگران فراهم آورده و نیز احتمالاً در جذب خوانندگان علاقه‌مند به حوزه‌های فرهنگ و ادیان موفق خواهد بود.

مانی به روایت ابن‌الندیم، متن عربی و ترجمه فارسی دکتر محسن ابوالقاسمی، تهران، طهوری، ۱۳۷۹، ۱۴۴ ص
 بسیاری از نویسندگان عرب و ایرانی درباره مانی و آیین او ذیل مبحث زنادقه مطالب فراوانی نوشته‌اند، اما در میان آنها مفصلترین و دقیقترین شرح حالها متعلق به ابن‌ندیم، بیرونی و شهرستانی است که آنها را به شیوه‌ای نسبتاً علمی بیان کرده‌اند. متن عربی و ترجمه فارسی «بخشی از فن اول از مقاله نهم کتاب الفهرست» ابن‌ندیم مضمون کتاب مانی به روایت ابن‌الندیم است. مؤلف کتاب الفهرست ابوالفرج محمد بن اسحق بن محمد بن اسحق، معروف به «ابن‌الندیم» یا «الندیم»، است که در میانه سده چهارم هجری زندگی می‌کرده. ابن‌ندیم مطالب «مرتبط به مانویت را براساس ترجمه آثار مانوی و مانویان، که در زمان مؤلف به زبان عربی موجود بوده و امروز از میان رفته، نوشته است» (ص ۷). دکتر ابوالقاسمی در یادداشت کوتاه خود، در ابتدای کتاب، مشخصات تصحیحات و چاپهای پیشین کتاب الفهرست را نیز آورده است. پس از یادداشت مذکور، راهنمای نشانه‌های قبایلی (آوانویسی و حرف‌نویسی) و نشانه‌های اختصار

کتابهای یاد شده در متن آمده و پس از آن ترجمه فارسی و سپس عین متن عربی و در آخر «یادداشتها» است که راجع‌اند به متن عربی و اختلاف قرائت متن حاضر با متن عربی چاپهای دیگر و در مواردی استدراکات و استدلالات و مستندات وی در ترجیح و گزینش لغات و قرائت آنها و برابرنهاده‌های بیان شده. گذشته از اینها «یادداشتها»، با اتکا به منابع دیگر، ایضاحاتی دربارهٔ مانی و تعالیم او دارد که حاکی از تتبعات ژرف گزارندهٔ آنهاست. اگرچه از خلال یادداشتها می‌شود علت زدن به ترجمه مجدد این متن را استنباط کرد، جا داشت که در یادداشت مقدماتی نیز ضرورت ترجمه مجدد به صراحت ذکر شود. همچنین جای فهرستی از منابع یادداشتها خالی است.

کتابت زبانهای ایرانی، حبیب بُرجیان، تهران، سروش، ۱۳۷۹، ۱۴۴ص، مصور.

این کتاب دربارهٔ خطهایی است که به زبانهای ایرانی صورت می‌بخشیده‌اند. کتاب دو بخش اصلی دارد. بخش نخست «فرضیه‌های پیدایش و انتشار خط از سومر و فنیقیه تا ایران» را بررسی کرده و بخش دوم به «خط زبانهای ایرانی» پرداخته است. مؤلف کتاب تخمین زده است که «در حدود بیست زبان (با گروه زبانی) باستانی، میانه و نوبا سیزده نوع خط (یا گروه خطی) متروک و جاری نوشته شده‌اند، به طوری که ما با بیش از چهل نظام نگارش ایرانی سروکار داریم» (ص ۷۳). او اهداف دوگانه‌اش را از نگارش کتاب چنین بیان کرده: «نخست اینکه خط زبانهای ایرانی چگونه و با چه انگیزه‌ای اقتباس یا وضع شده است... دوم، طبقه‌بندی و معرفی کلیه نظامهای کتابت ایرانی» (ص ۷۴).

بخش اول سه فصل دارد که در فصل اول خطوط خاورمیانه باستان و ارتباطشان با یکدیگر و نیز با سایر نظامهای خطی به اجمال معرفی شده. فصل دوم به «خطوط میخی» پرداخته و آنها را با استدلالاتی در ردیف «نظامهای خطی ماقبل الفبایی» بررسی کرده است. فصل سوم نیز دربارهٔ ظهور و انتشار الفبایی است که تا امروز صورت غالب کتابت باقی مانده است. مؤلف الفبا را نیز در دو صورت کلی «اروپایی» که در یونان شکل گرفت» و «صورت فنیقی» که به واسطه آرامیان در خاورمیانه انتشار یافت» در این فصل بررسی کرده است.

بخش دوم کتاب نیز سه فصل دارد که در فصل اول «خط میخی فارسی باستان»، در فصل دوم «خطوط منشعب از آرامی» (انواع خطوط پهلوی، اوستایی، خوارزمی و ...) و در فصل سوم «خطوط منشعب از یونانی» (برای زبانهای کردی، الاتی، بلخی، آسی و ...) آمده است. در این بخش مؤلف «بی‌هیچ تمایز و تبعیضی به معرفی همه خطهای مورد بحث می‌پردازد. منظور این است که کلیه نظامهای کتابتی که واسطه نگارش زبانهای ایرانی، اعم از زنده یا متروک، بوده‌اند طبقه‌بندی و معرفی اجمالی شوند. این طبقه‌بندی برحسب نوع خط است، نه گروه زبانی» (ص ۱۴).

کتاب دو پیوست دارد که به مباحثی اختصاص یافته که در دو بخش کتاب موضوعیت نمی‌یافته است. پیوست اول به «کتابت اوستا» اختصاص دارد و پیوست دوم «در آمدی بر خوشنویسی زبانهای ایرانی» است و به اعتقاد مؤلف، خوشنویسی از ابداعات ایرانیان بوده است. در این پیوست به سبکهای خط پهلوی، خوشنویسی خطوط اوستایی و مانوی، و دخالت شکل خط میخی در انتخاب آن برای نگارش زبان فارسی

باستان پرداخته شده است. در انتهای کتاب نیز تصاویر نمونه‌هایی از انواع خط و نقشه‌های تاریخی خط و انتشار آن به دست داده شده. کتاب در مجموع هم برای استفاده علاقه‌مندان به فرهنگ و زبانهای باستانی ایران مفید فایده تواند بود و هم احتمالاً یافته‌هایی برای بحث و گفت‌وگو در بین متخصصان دارد.

کتابهای ایران باستان، محمدتقی راشد محصل، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۰، ۱۲۰ص، مصور، از مجموعه: از ایران چه می‌دانم؟ ۹/.

کتابی است کوچک که مخاطب آن خوانندگان عام‌اند، اما نمونه موفق‌ی است از بیان مطالب دشوار به زبانی همه فهم در ساختاری موجز.

نویسنده در «پیش‌سخن» درباره «زبانهای ایرانی» و تقسیم آنها به دوره «باستان»، «میان» و «نو» توضیح می‌دهد و به رواج کتیبه‌نگاری در دوره نخست اشاره می‌کند. سپس، محتوای کتاب را به اجمال معرفی می‌کند.

فصل یکم درباره پیشینه کتیبه‌نگاری است که با توضیح معنای واژه «کتیبه» آغاز می‌شود و مختصری هم به سوابق کتیبه‌نگاری در تمدنهای همجوار می‌پردازد.

فصل دوم «کتیبه‌نگاری در ایران باستان» نام دارد که در آن به طور مختصر اما دقیق، که با توجه به نوع مخاطبان آن کافی نیز به نظر می‌رسد، به دوره‌بندی و خط‌شناسی و سابقه آشنا شدن با خط فارسی باستان و چگونگی کشف رمز آن و معرفی تک تک کتیبه‌های شناخته شده فارسی باستان و ارزیابی آنها پرداخته شده است. توضیح علایم اختصاری به کار رفته برای شناسایی کتیبه‌ها (نظیر A^1 , Am, DPa) و نیز گزیده‌هایی از چند کتیبه پادشاهان هخامنشی برای نمونه در همین فصل آمده است.

فصل سوم، «کتیبه‌نگاری در دوره میان»، با توضیحاتی درباره مفهوم دوره میان و معرفی حکومتگران عمده این دوره آغاز می‌شود. آن‌گاه توضیحاتی درباره خط‌های این دوره می‌آید و سپس به آثار بازمانده از این دوره که به اشکال مختلف و در مناطق جغرافیایی متفاوت پدید آمده‌اند اشاره می‌شود.

«سخن پایانی» نیز به اجمال به اهمیت کتیبه‌ها و آشنایی امروزیان با تاریخ گذشته و نیز آگاهی‌هایی که بد کمک آنها از تمدن باستانی ایرانی می‌توان به دست آورد می‌پردازد که کوتاه اما بسیار گویاست. معلوم نیست چرا «کتابنامه» یا «فهرست منابع و مآخذ» با عنوان مبهم «پی نوشت» آمده است. اصولاً کتاب از لحاظ تولید فنی و فرهنگی اشکالاتی دارد که در اینجا جای پرداختن به آنها نیست.

جستارهایی در زبانهای ایرانی میانه شرقی، زهره زرشناس، به کوشش ویدا نداف، تهران، فروهر، ۱۳۸۰، ۲۸۴ص، نقشه.

دکتر زهره زرشناس، استاد زبانهای باستانی ایران و مترجم و محقق زبان سغدی، تا کنون مقالات متعددی در این زمینه در نشریات مختلف علمی و پژوهشی به چاپ رسانده است. کتاب حاضر مجموعه‌ای است از اغلب مقالاتی که درباره زبانهای ایرانی میانه شرقی به نگارش درآمده بوده‌اند.

بخش اعظم و اول کتاب، با عنوان «ادبیات زبانهای ایرانی میانه شرقی»، اختصاص دارد به ترجمه و بررسی متونی از زبان سغدی و معرفی و ارائه اطلاعاتی درباره زبانهای خوارزمی و بلخی. در بخش دوم، مقالاتی آمده است در معرفی و بررسی کتابهای فرهنگ سغدی (نوشته بدرالزمان قریب)، دستور تاریخی زبان فارسی (نوشته محسن ابوالقاسمی)، پژوهشی در اساطیر ایران (نوشته زنده‌یاد مهرداد بهار) و داستان گرشاسب، تهمورس و جمشید (ترجمه از پهلوی از کتابون مزدپور).

اما، پیش از بخش اول، دو مقاله آمده است که نخستین بار است منتشر می‌شوند. یکی از این دو مقاله ترجمه فارسی و حرفنویسی دعای «اشم و هو» (Ašəm Vohū) به زبان سغدی است. این دعا که یکی از چهار دعای مهم زردشتیان است در یسن ۲۷ آمده و همراه با دو دعای دیگر مقدمه گاهان را تشکیل می‌دهند. در آغاز یکی از سه قطعه‌ای که رایشلت به چاپ رسانیده (Reichelt, *Die Soghdian Handschriftenreste des Britishen Museums*, Heidelberg, 1928-1931) دو سطر وجود دارد شامل واژه‌هایی که در زبان سغدی ظاهر معنایی ندارند و تا مدت‌ها ناخواندنی تلقی می‌شده‌اند. گرشویچ در بحث مفصلی این دو سطر را برگردانی از دعای «اشم و هو» به زبان سغدی باستان دانسته و آن را قرائت و ترجمه کرده است (Gershevitch apud Sims-Williams, 1975, pp. 75-82). در این مقاله دکتر زرشناس، علاوه بر ترجمه فارسی و حرفنویسی این دو سطر، به بررسی آرای روزنبرگ، شدر، بنونیست و سیمز ویلیامز در این باره پرداخته است. مقاله دوم، به اختصار، به معرفی ادبیات سغدی، خوارزمی، بلخی و سکایی می‌پردازد.

شش متن سغدی (بخش نخست)، زهره زرشناس (گزارنده)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰، سی و یک + ۲۴۳ ص.

زبان سغدی یکی از زبانهای گروه شرقی ایرانی میانه، زبان ناحیه سفد، واقع در میان دو رود سیحون و جیحون، بوده است و در طول قرنهای دوم تا دوازدهم میلادی مهمترین زبان ایرانی در آسیای مرکزی، زبان تجاری جاده ابریشم و ابزار ارتباط و پیوند فرهنگهای سرزمینهای شرقی و غربی آسیا به شمار رفته است. بررسی و مطالعه آثار این زبان، که از نظر تنوع و حجم ادبیات مکتوب مهمترین زبان ایرانی میانه شرقی است، از ابتدای قرن بیستم و با کشف گنجینه تورفان در ترکستان چین آغاز شده است. آثار بازیافته سغدی شامل آثار دینی (مانوی، مسیحی و بودایی) و آثار غیردینی است. اغلب آثار سغدی بودایی، که حاصل تلاش مترجمان بودایی مذهب در صومعه‌های بودایی در آسیای مرکزی است، ترجمه‌هایی از زبان چینی‌اند. امروزه بخش اعظم این متون، که هیتسهای اکتشافی آنها را به موزه‌ها و کتابخانه‌های اروپایی انتقال داده بودند، دست کم یک بار به چاپ رسیده‌اند.

در سال ۱۹۷۶، مکنزی، ایران‌شناس انگلیسی، قطعات مجموعه‌ای را که سر اورل استاین در سال ۱۹۰۷ از «غارهای هزار بودا» در نزدیکی تون هوانگ به انگلستان آورد و مولر (۱۹۲۶)، رایشلت (۱۹۳۱-۱۹۲۸)، ولر (۱۹۳۸-۱۹۳۵) و بنونیست (۱۹۵۹-۱۹۲۹) آنها را بررسی و منتشر کرده بودند تکمیل و مجدداً در

گزارنده کتاب شش متن سغدی همین کتاب مکنزی را مبنای کار خود قرار داده، با این تفاوت که، به گفته خود، متن‌ها را لفظ به لفظ به فارسی برگردانده و در انتخاب واژه‌ها کوشیده از واژه‌های هم‌ریشه و هم‌خانواده فارسی دری با واژه سغدی استفاده کند. وفاداری به نحو زبان سغدی را نیز تا آنجا که امکان داشته رعایت کرده تا تصویر روشنتری از واژگان و طرز نگارش زبان سغدی در اختیار خواننده قرار دهد. ابتدا مشخصات نسخه اصلی هر متن، به دقت و با جزئیات، معرفی شده و سپس حرف‌نویسی و ترجمه فارسی آمده است. موارد ابهام و توضیح قرائت و معنای واژه‌ها و عبارات، شرح برخی مفاهیم و معادل‌گذاری یا توضیح واژه‌های سنسکریت در پی‌نوشت‌های پایان متن فارسی آمده است. علاوه بر این، اطلاعات و نکاتی که زوندرومان و سیمزویلیامز در سال ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸، پس از بررسی کتاب مکنزی، به متن‌ها افزوده‌اند نیز در پی‌نوشت آمده است. در پایان کتاب، عکسهای شش متن سغدی گنجانده شده است.

شش متن سغدی، به سبب حجم زیاد، در دو بخش منتشر می‌شود. کتاب حاضر بخش نخست و شامل چهار متن است. مضمون همه متون مذهبی است و از فرقه مهاییانه آیین بودا تأثیر پذیرفته است. متن نخست (Vaj.) مکالمه‌ای است میان بودا و سوپوتی (Subhuti)، در باب منش و رفتار پُدی ستوه‌ها، که از روی متن سنسکریت به چینی و سپس به سغدی برگردانده شده؛ متن دوم (Intox.) بخش پایانی سوتره‌ای است در نکوهش می و میخوارگی از هندی به سغدی؛ متن سوم (Padm.) در باب داروی شفابخش چشم است و روش کاربرد آن و خواص دو داروی دیگر، که از چینی به سغدی ترجمه شده بوده؛ متن چهارم (Vim.) نیز از روی برگردان چینی متن سنسکریت است که در سال ۴۰۶ میلادی به تحریر درآمده و به زبان سغدی ترجمه شده بوده است.

هدف از این پژوهش، همان‌طور که گزارنده اشاره می‌کند، شناساندن بیشتر زبان سغدی و سپس بازشناساندن فلسفه و آیین بودا و اصطلاحات خاص آن از طریق این زبان دوره میانه و خویشاوند زبان فارسی و نیز از طریق اصطلاحاتی است که مترجم سغدی زبان در مقابل آنها به کار برده است. پژوهش در این آثار، افزون بر آشکار کردن وجوه اصیل و کهن آثار بودایی، گامی است در جهت شناخت واژه‌های دخیل از زبان سغدی در زبان فارسی و راهنمایی مؤثر در واژه‌گزینی و واژه‌سازی.

فصلنامه فرهنگ

شماره ۳۸-۳۷ (بهار-تابستان ۱۳۸۰) فصلنامه علمی-پژوهشی فرهنگ از انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شد. در این شماره که ویژه زبان‌شناسی است مقالاتی نیز در زمینه فرهنگ و زبانهای باستانی ایران گرد آمده است:

دکتر محسن ابوالقاسمی آوانویسی، ترجمه و شرح واژه‌های یسن پنجاه و سوم/وستا را ارائه کرده است. این گاه اوستایی «وهیثوایش گاه» نام دارد و درباره پیوند زناشویی پوروچیستا، دختر زردشت، و جاماسب حکیم در ۸ بند سروده شده است.

شادروان دکتر ماهیار ثوابی در مقاله‌ای با عنوان «کسره اضافه و واو عطف» پیشنهاد کرده است که کسره اضافه در زبان فارسی میانه به صورت ē و حرف عطف همه جا به صورت o خوانده شود.

«خیم و خرد فرخ مرد» نام یک قطعه کوتاه پهلوی و شاید کهنترین نوشته‌ای است که از رسم پهلوانان زورخانه‌ها و سنت شلوار پوشیدن خاص آنها صحت می‌کند. دکتر کتیون مزداپور این قطعه را ترجمه و آوانویسی کرده و برای چند واژه ناخوانده در آن پیشنهادهایی داده است.

مقاله دکتر تورج دریایی درباره کتیبه شاهپور سکا‌ن‌شاه در تخت جمشید است. این کتیبه در آثار شرق‌شناسانی چون هر تسفلد، نیبرگ و فرای معرفی شده است. نگاره پهلوی، آوانویسی و ترجمه فارسی و نیز توضیح نکات تاریخی کتیبه در این مقاله گنجانده شده است.

ترجمه فارسی مقاله «جایگاه شاه در آتشکده»، به قلم زنده‌یاد دکتر احمد تفضلی، که اصل آن در سال ۱۹۸۸ در *اکتا ایرانیکا* (The King's Seat in the Fire-Temple, A Green Leaf, Acta Iranica 28: 101-106) چاپ شده، مقاله‌ای دیگر است که با نقل و نقد آرای پیشینیان به بررسی اصطلاح «جایگاه» پادشاهان ساسانی در آتشکده‌های مشهور پرداخته و دیدگاه جدیدی ارائه کرده است. متأسفانه، مترجم نام مقاله و نشریه‌ای را که این مقاله اول بار در آن به چاپ رسیده از قلم انداخته است.

«نظر دستوری جدیدی درباره عبارت فارسی باستان آنچه در شب و چه در روز» از کتیبه بیستون ترجمه‌ای است از مقاله دکتر دیوید تستن (D. Testen) که نتیجه بحثهایی است که در زمستان ۱۹۹۲ در سمینار دانشگاه شیکاگو درباره چهار روایت کتیبه بیستون مطرح شده است.

مفهوم «ملک» در قرآن کریم و «شهریور» در اساطیر ایرانی، که هر دو نماد فرمانروایی مطلق خداوند بر زمین و بهشت‌اند، و نقش فلز در هر دو آیین، که منشأ الهی داشته و سلاح ایزدان و پیامبران بوده است، مضمون مقاله‌ای است به قلم دکتر مریم مدرس‌زاده.

آخرین مقاله بررسی دگرگونی مفهوم «فر» در نوشته‌های سغدی است که دکتر زهره زرشناس، مترجم متون سغدی، درباره ابهام معنایی این واژه یا گسترده‌گی حوزه معنایی آن به بحث پرداخته است.

مرکز نشر دانشگاهی منتشر می‌کند

مجله باستان‌شناسی و تاریخ

سال شانزدهم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۰

برخی مقالات این شماره:

آیا آرت‌خاستگاه تمدن سومری است؟ مدارک جدید از کناره هلیل‌رود:

استان کرمان / دکتر یوسف مجیدزاده

زیست‌بوم‌شناسی انسانی و اهمیت آن در پژوهشهای باستان‌شناسی / کامیار عبیدی

تمثیل بازرگانان گنجه‌اندوز / ورتو زوندرومان / آرمان بختیاری

گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی محوطه‌های پارینه‌سنگی استان لرستان،